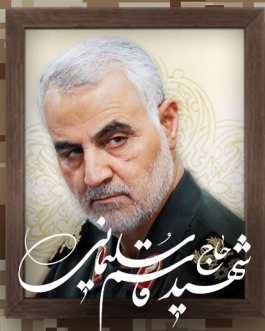


اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آبَائِنَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ



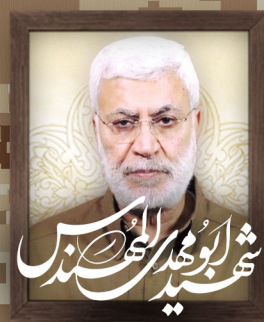
نشریه بسیج دانشجویی
دانشکده علوم قرآنی شیراز



شیخ بهابادی



شیخ بهابادی



شیخ بهابادی



شیخ بهابادی



شیخ بهابادی



شیخ بهابادی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شناسنامه:

نشریه بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز، شماره 56 دی ماه 1401

- صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم قرآنی شیراز

- مدیر مسئول: علی روایی

- سردبیر: فاطمه شیرعسکرپور

- ویراستار: مریم فردوس مکان

- طراح جلد و صفحه آرا: مریم توگلی

- نویسنده مدعو: سرکارخانم معارف

- هیئت تحریریه:

ابوالفضل امیدواری، سرکارخانم معارف، علی شناوری، مجتبی حمیدی

فاطمه محمدی، مریم فردوس مکان، مریم رضوانی زاده



فهرست:

۳	نگاه غرب به زن
۳	شهادت سردار سلیمانی
۴	شهدا پیشروان فعالیت فرهنگی
۵	روز شهادت دانشجویان دانشجو
۶	گزارش تصویری فعالیت‌های بسیج
۷	مولود سرور زنان عالم
۱۰	روز غزه
۱۱	معرفی کتاب "سید محمد"
۱۲	شعر مادر
۱۳	جدول



این رجل فاجری که خون عزیز ما را به زمین ریخت، تأیید کرد دین خدا را. یعنی خدا دین خودش را به او تأیید کرد. با ریختن خون عزیز ما، تأیید شد انقلاب ما. این انقلاب باید زنده بماند، این نهضت باید زنده بماند، و زنده ماندنش به این خونریزی‌هاست. بریزید خون‌ها را؛ زندگی مادوام پیدا می‌کند. بگشاید ما را؛ ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم؛ و شما هم از مرگ ما صرفه ندارید. دلیل عجز شماست که در سیاهی شب، متفکران ما را می‌کشید. برای این که منطق ندارید. اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است! منطق اسلام ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد؛ لکن با ترور شخصیت‌های بزرگ ما، شخص‌های بزرگ ما، اسلام ما تأیید می‌شود.

(قسمتی از سخنرانی حضرت امام خمینی در پی شهادت آیت الله مطهری) - صحیفه امام جلد 7 ص 183

یک تکه جواهرید، نورید شما
اسطوره غیرت و غرورید شما
رفتید اگر چه، زود برمی‌گردید
زیرا که ذخیره ظهورید شما



ابوالفضل امیدواری (ترم‌اکارشناسی علوم قرآن و حدیث) نگاه غرب به زن

اول از همه باید در نگاه تمدن غرب به زن، به دیدگاه‌ها و تاریخچه غرب به طور مختصر رجوع کنیم.

دوران مسیحیت است. دنیا در توحید و یکتاپرستی اگر چه رشد کرده است و به ظاهر بتی وجود ندارد ولی هرچه قدر توحید در جوامع غربی افزایش می‌یافت، کل اصول انسانی ادیان الهی روبه نزول می‌رفت.

کلیساهای واریابان آن‌ها بر مردم حکومت می‌کردند و نه تنها آن‌ها را به سوی کمال بلکه به انزوا نزدیک تر می‌کردند؛ قوانینی مثل خرید و فروش بهشت و جهنم و بهاندادن به مقام زن و آن‌ها را محدود کردن و درجه دو دیدن زن و بسیاری قوانین دیگر، آن‌ها را به یک حرکت وا داشت. آری انقلابی که از شعارها شنیده می‌شد با این خواسته‌ها از جمله پیشرفت صنعتی با استفاده از چپاول دیگران، آزادی کامل و جدایی دین از سیاست.

همین نقطه آغاز، یک نقطه تاریک برای بشریت بود. تمدنی که تمام توان خود را روی میل دنیایی و اومانیسیم و انسان‌گرایی قرار داده بود، شکل گرفت.

رفته رفته این روند تا به امروز آخرین زور خود را زده است و به آخرین لذت‌های دنیایی دست یافته است اما آیا اخلاق هم همین‌طور رشد کرد؟

درباره تمدن و فرهنگی می‌گوییم که زن فقط باید از او به عنوان ابزار استفاده شود. به عنوان مثال در تبلیغات ساده ای باید زنان برهنه شوند و عکس آن‌ها روی آن قرار گیرد تا شرکت‌ها رونق گیرند. این به معنای ابزاری دانستن زن و درجه دو خواندن آن نیست؟

این روند امروزه به جایی رسیده است که بسیاری از کشورهای غربی مطابق آمار خود می‌گویند که به دختران زیر 18 سال در دبیرستان‌ها حداقل یک بار تجاوز شده است. از کدام آزادی دم می‌زنید؟ آیا منظورتان آزادی برای فحش‌بودن؟ یا این که در چند سال گذشته همجنس‌گرایی رواج دادند و بنیان خانواده که زن هست رو به کلی نابود کردند.

کدام آزادی؟ آیا آزادی، بردگی جنسی بودن مقام زن است؟ و در آخر این که با این جریان باید مبارزه کرد و با ساختن تمدن اسلامی که مقام و جایگاه زن نه در جسم او بلکه در عفت و روح او می‌بیند، بتوانیم در جهانی با عفت تر و رو به کمال گام برداشتن، زندگی کنیم.

شهدا با دل این نوجوانان چه کردید؟ چقدر صمیمانه با آن‌ها ارتباط برقرار کردید و چقدر صمیمیت شما بر جان‌شان نشست. شهدا باز هم از همه ما جلوتر حرکت کردید. شهدای عزیز؛ شما که در دوران زندگی خود از فعالان فرهنگی به شمار می‌رفتید، پس از شهادت نیز حتی پس از گذشت چندین دهه، همچنان تحول آفرین هستید. شهدای عزیز چه زیبا از عرش خود را به فرش می‌رسانید و باز هم هوای نوجوانان و جوانان وطن را دارید. معراج نشینان عزیز، شما همچنان در بحبوحه مشکلات راه گشایید و جریان ساز. حیات و ممات برای شما در عرصه خدمت‌رسانی فرهنگی علی‌السویه است. شما به خوبی درک کردید اهمیت فعالیت‌های فرهنگی و هوا و اکسیژن بودن آن‌را. شما فعالیت فرهنگی را خالصانه انجام می‌دادید و به به و چه چه دیگران اصلاً برایتان مهم نبود. شهدای عزیز گویا بعد از شهادت هم از همه ما فعالان فرهنگی فعال‌ترید. چه زیبا اولویت‌های فرهنگی را می‌شناسید. چه زیبا به نیاز روز مخاطب واقفید و چقدر غافلیم از اثرگذاری شما عزیزان حتی پس از شهادت و چه خوب دشمن این اثرگذاری را شناخته و در تشییع پیکر مطهر شما عزیزان جیغ بنفش می‌کشد. چه تشییع باشکوهی که این چنین لرزه بر اندام دشمنان می‌اندازد. اکنون متوجه راز مفقود شدن عده‌ای از شما عزیزان و گمنام شدن عده‌ای دیگر و چشم انتظار گذاشتن مادرانتان می‌شویم. شما عزیزان، تحول نوجوانان وطن را بر چشم‌انتظاری عزیزانتان ترجیح دادید. همیشه وطن و هموطنان برای شما ارجح بوده‌اند.

حال متوجه شدیم که رسالت خاص هر کدام از شما در بازه‌ای از زمان باید هویدا گردد و به کمک بیایید. کمک به سرافرازی وطن، کمک به سرافرازی هموطنان، کمک به برافراشته ماندن پرچم مقدس ایران عزیز؛ آری این است راز گمنامی و مفقودی شما شهدای عزیز، تا وطن لحظه‌ای از عطر شهید و شهادت و بصیرت‌افزایی و آگاهی بخشی محروم نباشد و این عنایت و لطفی است از طرف شما شهدای عزیز. هدیه‌ای بهشتی از طرف عرش نشینان. هدیه و موهبتی که نامحرمان از فهم و درکش عاجزند.

تانگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش



سرکار خانم معارف؛ استاد حوزه و دانشگاه شهدا پیشروان فعالیت فرهنگی

روایت تشییع شهید گمنام در یکی از مدارس دخترانه شیراز: مربی تعریف می‌کرد که عده‌ای از بچه‌های این مدرسه با پوشش نامناسب و طرفدار کشف حجاب و طرفدار شعار زن - زندگی - آزادی (از دید اغتشاش‌گران) بودند. به آن‌ها گفتم: فردا قرار است مدرسه ما میزبان شهید گمنام ۱۷ ساله باشد. گفتند باید چکار کنیم؟ ماکه این تیپ هستیم؛ گفتم اشکالی ندارد هر طور که باشید. با بچه‌ها مشغول تزیین مدرسه با سربندهای یفاطمه (سلام الله علیها) شدیم. بچه‌ها سربندها را روی دیوار می‌زدند و جالب این‌جا بود که روی همان شعارهایی که خودشان روی دیوارها نوشته بودند، سربندها را می‌چسبانند. با چه شور و هیجانی در تزیین مدرسه جهت میزبانی شهید گمنام همکاری می‌کردند.

فردای آن روز فرارسید. دانش‌آموزان سبد سبد گل آوردند و در کمال تعجب چند نفر از دانش‌آموزان بدحجاب و هنجارشکن، با خود چادر به همراه آورده بودند. اشک در چشمان مربی حلقه می‌زد و تعریف می‌کرد. همه جا عطر و بوی خاصی گرفته بود. دانش‌آموزان با شور و اشتیاق از شهید گمنام استقبال کردند. مقنعه‌ها جلوتر و جلوتر آمد. بعد از بدرقه شهید گمنام، دانش‌آموزان نزد مربی آمدند و اشک ریختند و درد دل کردند و از عشق خود به شهدا گفتند و این که با حجاب مشکلی ندارند..

علم و دانش را در دانشگاه کسب می کرد و علم عشق و عرفان و وصال به حق را در دانشگاه جبهه. در طی دو سالی که در دانشگاه بود به خاطر شهادت دوستان و همکلاسی ها، انقلابی در وی پدید آورد و چهار بار به جبهه اعزام شد. ایشان در عملیات های مختلف در مسئولیت های متعددی انجام وظیفه نمود و سرانجام در تاریخ 02/12/1364 به شهادت رسید.

قسمتی از وصیت نامه این شهید و الامقام:

شاید که استوانه این جسم خاکی زنجیرهای همیشه بسته اسارت را با آتش دل سوخته خویش ذوب کند و قدم بر عرش بی منت های خداوند نهد. شاید که زبان مادر برابر ایزد پروردگار همه چیز بینا، لب به سخن بگشاید و نیاز خود را به کسی که همه چیز برای او آشکار است بیان کند و خاضعانه از او استعانت لقای او را طلبد و از دیده خود اشک شوق دیدار معبود را در صبح ظفر به روی گونه های خود غلطان کند و اکنون به انتظار آن همه شکوه و جلال و عظمت قدم نهاده ام که غرش گلوله های آتشین بر سرمان است و بلبل نغمه سرای این گلزار را چه چه مسلسل ها تشکیل می دهند و چنان حجله دامادی را برای جوانان ما آذین بسته اند که دست پر قدرت حق در انتظار بودن آنان است و اکنون اگر پذیرای حق باشیم در جوار او به سر می بریم. خانواده شهید، شهید کالایی است که تنها خریدار آن خداوند می باشد و شهید درگاه خداوند روزی می خورد. بنابراین از این فرزند کوچک انقلاب این سخن حقیر را بشنوید و به خاطر نسبت با شهید سوء استفاده های اجتماعی نکنید. شهید را به کالای مادی نفروشید. اگر این کارها را بکنید، فرزندان خود را با بیهودگی از دست داده اید و فقط بهره شما از شهید ایتان همان کالا می باشد.

ای ملت رشید و این قهرمانان عرصه پیکار، برای بقای اسلام و داشتن آزادی بدون تمام وسایل رفاهی می توان به زندگی چند روزه دنیا خاتمه داد؛ اما بدون توشه و کوله بار آخرت چه گونه می خواهید در محضر خداوند جوابگوی آن همه اعمال خود باشید؟ پس کاری نکنید که شفاعت شهید ایتان را به زر و زیور دنیوی بفروشید.

خدا یا به بدن پاره پاره حسینت و سر جدا شده سخن گوی او، خدا یا به دستان جدا شده سقای کربلا و به قلب شکسته زینب کبری (سلام الله علیها)، رزمندگان اسلام؛ این زاهدان شب و شیران روز را برای فتح آخرین آرمان که همان قدس عزیز می باشد آماده بفرما.

منابع:

<https://isfahan.navideshahed.com>

<https://fa.wikifqh.ir>

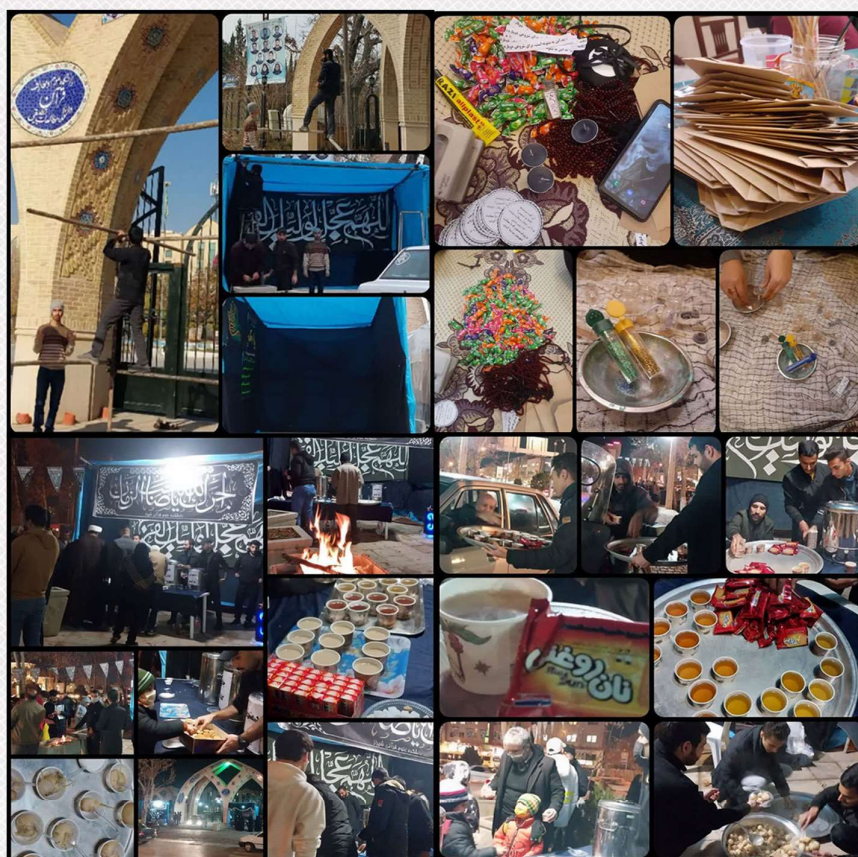


علی شناوری (ترم ۳ کارشناسی علوم قرآن و حدیث) شهیدای دانشجوی

دانشجوی شهید محمد نوروزی در تاریخ 1343/08/01 در شهر ورزنه پا به عرصه وجود نهاد. سرانجام در تاریخ 1364/12/02 در جبهه های حق علیه باطل در عملیات فاو توسط دشمن بعثی با اصابت ترکش به سینه، به فیض شهادت نائل آمد. پیکر پاک این شهید بزرگوار در گلزار شهدای زادگاهش؛ شهر ورزنه در کنار دیگر همزمانش خاکسپاری شد.

زندگینامه شهید محمد نوروزی

خانواده او مجبور بودند برای تامین معیشت زندگی خود در یک قلعه چند خانوار نشین، با تحمل مشکلات فراوان و دوری از هر گونه امکانات اولیه رفاهی زندگی کنند. شهید نوروزی در یک خانواده مستضعف و کشاورز پرورش یافت، همین عدم امکانات و شرایط سخت زندگی باعث شد تا از همان آغاز کودکی به بیماری های سختی مبتلا شود. با وجود این شرایط، چند سال اول تحصیلات ابتدایی را در ورزنه گذراند و چند سالی نیز به دلایلی در شهر مقدس قم ادامه تحصیل داد. پس از بازگشت از شهر قم به ورزنه، کلاس دوم و سوم راهنمایی را به اتمام رساند و چون در ورزنه امکان ادامه تحصیل در رشته مورد نظرش نبود، در دبیرستان شهر هرنند ثبت نام نمود و پس از دو سال تحصیل در شهر هرنند، به شهر نایین عزیمت نمود. با وجود شرایط سخت زندگی و انبوه مشکلات و دوری از خانواده، خللی در ادامه تحصیلش ایجاد نشد. پس از گرفتن مدرک دیپلم در کنکور سراسری شرکت کرد و در دانشگاه تربیت معلم رشته آموزش ابتدایی قبول شد. سال تحصیلی 1363-1364 وارد مرکز تربیت معلم شهید باهنر اصفهان شد. شهید علاقه خاصی به تحصیل و کسب علم داشت.



برگزاری موکب به مناسبت شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)
برای مشاهده کلیپ موکب روی لینک کلیک کنید

<https://eitaa.com/basijshiraz/5899>



مراسم گرامیداشت سومین سالگرد شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی

برپایی ایستگاه صلواتی به مناسبت شهادت سردار دلها



مجتبی حمیدی (ترم ۳ کارشناسی علوم قرآن و حدیث) مولود سرور زنان عالم

ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

فاطمه بنت محمد بن عبدالله و خدیجه بنت خویلد معروف به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. بنا بر قول مشهور در بیستمین روز جمادی الثانی سال پنجم بعثت، خانه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت خدیجه کبری منور به نور الهی ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها شد.

به اتفاق مورخان، فاطمه در مکه و در منزل خدیجه در محلی به نام زُقاق (کوچه، گذرگاه) العطارین و زُقاق الحجر در نزدیکی مَسعی به دنیا آمد

پدر و مادر بزرگوارشان

نام پدر حضرت زهرا (سلام الله علیها) محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) است که رسول گرامی اسلام و خاتم پیامبران الهی است. فاطمه (سلام الله علیها) در خانه‌ی پدری متولد شد که خود بهترین مربی و راهنمای بشریت و از حیث کمالات شخصیتی، اشرف انسان‌ها بود؛ اما مادرش خدیجه بانویی پاکدامن و دختر خویلد بود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: وقتی خدیجه (سلام الله علیها)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به همسری برگزید. زنان مکه به دلیل دشمنی با آن حضرت، از او دور شدند. آنان نه تنها به خدیجه (سلام الله علیها) سلام نمی‌کردند؛ حتی از رفت و آمد زنان دیگر هم جلوگیری می‌نمودند. به این ترتیب وحشتی عجیب بر وجود خدیجه مستولی شد؛ البته او بیش‌تر از این می‌ترسید که به پیامبر (ص) آسیبی برسانند.

وقتی خدیجه به فاطمه حامله شد، فاطمه در شکم مادر با او سخن می‌گفت و مونس مادر بود و او را به صبر توصیه می‌فرمود اما خدیجه این حالت را از پیامبر مخفی می‌داشت تا آن که روزی حضرت داخل شد و شنید که خدیجه با کسی سخن می‌گوید. حضرت به اطراف نگرست؛ اما کسی را ندید. پرسید: ای خدیجه! با چه کسی سخن می‌گویی؟ خدیجه در پاسخ به کودکی که در شکم داشت، اشاره کرد و پاسخ داد: فرزندی که در شکم دارم، با من سخن می‌گوید و مونس من است. حضرت فرمود: در همین لحظه جبرئیل به من خبر داد که این فرزند دختر است. او و نسل او طاهر، بابرکت و خجسته است و خداوند نسل مرا از او به وجود خواهد آورد. از نسل او امامان دین متولد می‌شوند و حق تعالی بعد از قطع وحی، آن‌ها را جانشین خود در زمین قرار می‌دهد. خدیجه (سلام الله علیها) همواره در چنین حالتی بود تا آن که موعد ولادت فرارسید و درد زایمان را احساس کرد. شخصی را نزد زنان قریش و فرزندان هاشم فرستاد که به سوی او بشتابند؛ اما همان فرستاده، بازگشت و چنین جواب آورد که: تو به حرف ما گوش ندادی و به همسری یتیم عبدالله درآمدی؛ مردی که فقیر است و دارایی ندارد. حالاً مانیز به سخن تو گوش نمی‌دهیم و به خانه‌ات نمی‌آئیم. شنیدن این پیغام، خدیجه را به شدت اندوهگین کرد؛ اما در همان لحظات غم و اندوه به یک باره چهار زن گندمگون بلند بالا را دید که پیش رویش ایستاده‌اند. خدیجه از مشاهده‌ی آنان ترسید؛ اما یکی از آن بانوان گفت: ای خدیجه! نترس ما فرستاده‌ی پروردگار و پشتیبان تو هستیم. من ساره همسر ابراهیم خلیل، دومی آسیه دختر مزاحم، رفیق تو و همسر شوهرت در بهشت، سومی مریم دختر عمران و چهارمی کلثوم خواهر موسی بن عمران هستیم. خداوند ما را فرستاد تا در وقت ولادت، نزد تو باشم و تو را کمک کنیم. بعد از این گفت و گو بانوان اطراف حضرت خدیجه را گرفتند و فاطمه پاک و پاکیزه به دنیا آمد.

هنگامی که فاطمه متولد شد، نوری از او ساطع شد چنان که خانه‌های مکه را روشن کرد و در مشرق و مغرب جایی نماند که از آن نور، روشن نشود. ده نفر از حورالعین به آن خانه وارد شدند. هر یک دو ظرف پر از آب کوثر به دست داشتند. بانویی که پیش روی خدیجه بود، فاطمه را برداشت و با آب کوثر غسل داد.

او لباس سفیدی را که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبو تر بود، بیرون آورد، فاطمه را در یک پارچه پیچید و پارچه دیگر را مقنعه‌ی او کرد. آن‌گاه با او سخن گفت.

فاطمه فرمود:

اشهد ان لا اله الا الله و انّ ابی رسول الله سید الانبیاء و ان بعلی سید الاوصیاء و وُلدی سادّة الأَسباط؛ گواهی می‌دهم به یگانگی خدا و این که پدرم رسول الله، بهترین پیامبران و همسرم بهترین جانشین پیامبران و فرزندانم بهترین فرزندان پدیده‌های پیغمبران هستند، آن‌گاه به یکایک آن بانوان سلام کرد و هر یک را به اسم صدا زد. آن زنان نیز شادی کردند و حوری‌های بهشتی خندان شدند و به یکدیگر بشارت دادند. اهل آسمان‌ها نیز ولادت سیده‌ی زنان عالمیان را به یکدیگر بشارت دادند. در آن لحظه، نور روشنی در آسمان پیدا شد که تا آن روز چنان نوری دیده نشده بود. این بار بانوان رو به خدیجه کردند و گفتند: این دختر را بگیر که پاک کننده، پاک شده (طاهر و مطهر) و با برکت است. خداوند به او و نسل او برکت داده است.

خدیجه آغوش گشود و چون کودک دلبندهش در دامن او جای گرفت. خوشحالی از سیمایش نمودار شد و سینه‌اش را در دهان فرزندش جای داد و این چنین بود که فاطمه (سلام الله علیها) دختر رسالت در سال پنجم بعثت، بیستم جمادی الثانی به دنیا آمد.

ولادت ایشان

بر اساس دیدگاه رایج شیعیان، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در سال 5 بعثت مشهور به سنّه احقافیه (سال نزول سوره احقاف) متولد شد. شیخ مفید و کفعمی سال دوم بعثت را زمان تولد فاطمه (سلام الله علیها) دانسته‌اند. طبق دیدگاه رایج اهل سنت، ولادت فاطمه (سلام الله علیها) پنج سال پیش از مبعث بود.

در منابع شیعه، روز تولد زهرا (سلام الله علیها) 20 جمادی الثانی ذکر شده است. امام باقر (علیه السلام) در روایتی فرمود: وقتی فاطمه متولد شد، خدا به فرشته‌ای وحی کرد و به وسیله آن ملک، زبان حضرت محمد را به سخن درآورد و آن حضرت، مولود را «فاطمه» نامید. سپس [خداوند] فرمود: من تو را با دانش از دیگر زنان یا از جهل جدا کردم و تو را از ناپاکی جدا نمودم. سپس امام باقر (علیه السلام) فرمود: به خدا قسم، خداوند او را در میثاق (عهد الست و عالم ذر) به علم و دانش جدا نمود و از ناپاکی برکنار داشت.

درباره تاریخ تولد حضرت زهرا (سلام الله علیها) در میان علمای شیعه دو نظر وجود دارد: قول مشهور ولادت ایشان در بیستم ماه جمادی الثانی سال پنجم بعثت در مکه بوده و دلیل این قول، روایات صحیحی است که از امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نقل شده و مستند به آن‌ها است.

قول دومی که شیخ مفید، شیخ طوسی و کفعمی طرفدار آن است، تولد حضرت را در سال دوم بعثت می‌داند؛ اما این قول با روایات صحیح قابل تطبیق نیست و تعارض دارد.

فضایل

برخی از این فضیلت‌ها منشأ قرآنی دارند، مانند آیه تطهیر و آیه مباحله. در این گونه فضائل شأن نزول آیات درباره اهل بیت پیامبر است و فاطمه نیز یکی از اهل بیت است. شماری از فضیلت‌ها نیز در روایات نقل شده‌اند نظیر حدیث بضعه و مُحَدَّثه بودن.

نماز حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) همانند پیامبر (صلی الله علیه) علاقه زیادی به عبادت داشت و بخش مهمی از اوقات خود را به نماز و مناجات می‌گذراند. در برخی منابع گزارش‌هایی درباره امداد غیبی نسبت به فاطمه (سلام الله علیها) وجود دارد؛ برای نمونه سلمان فارسی از این که زهرا (سلام الله علیها) در کنار سنگ آسیاب در حال قرائت قرآن است و سنگ آسیاب به خودی خود می‌چرخد، تعجب کرد و موضوع را با پیامبر در میان گذاشت. پیامبر در جواب فرمود: خداوند جبرئیل را فرستاده است تا آسیاب را برای او بگرداند. طولانی بودن نمازها، شب‌زنده‌داری، دعا برای دیگران از جمله همسایه‌ها، روزه‌داری، زیارت قبور شهدا از جمله ویژگی‌های رفتاری فاطمه (سلام الله علیها) است که در سخنان اهل بیت، برخی صحابه و تابعین بر آن تأکید شده است. بر همین اساس در کتاب‌های دعا و مناجات برخی از نمازها، ادعیه و تسبیحات به فاطمه (سلام الله علیها) منسوب است.

جایگاه فاطمه نزد خدا و پیامبر

علمای شیعه و اهل سنت، بر اساس آیه 23 سوره شوری مشهور به آیه مودت، محبت و دوست داشتن فاطمه را سفارش خدا به مسلمانان دانسته‌اند. در آیه مودت پاداش رسالت پیامبر (صلی الله علیه) دوستی و محبت با خویشاوندان معرفی شده است که مفسران از آن به اهل بیت علیهم السلام تعبیر کرده‌اند. بر اساس روایات، خویشاوندان یا (به تعبیر مفسران) اهل بیت در این آیه، فاطمه (سلام الله علیها)، علی (علیه السلام) و حسنین (علیهم السلام) هستند.

سید محمد حسن میرجهانی در کتاب جُتّة العاصمه حدیثی را در کتاب خود آورده است که خلقت فاطمه را علت خلقت افلاک می‌داند. این حدیث که با نام حدیث لولاک خوانده می‌شود از پیامبر (صلوات الله علیه) نقل شده است، و بر اساس آن خلقت افلاک در گرو خلقت پیامبر و خلقت پیامبر در گرو خلقت علی (علیه السلام) بوده است و خلقت پیامبر و علی در گرو خلقت فاطمه. برخی ضمن اشکال به سند این حدیث، محتوای آن را قابل توجیه می‌دانند.



دلیل نامگذاری ولادت حضرت فاطمه زهرا با روز زن و مادر

اگر بخواهیم به این سوال که چرا روز ولادت بانوی مکرمه اسلام به عنوان روز مادر نام گرفته است باید بگوییم اگر بخواهیم برای نمونه از بهترین مادر و از باب زن و همسری بهترین بانو را نام ببریم، به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) خواهیم رسید چرا که وقتی ایشان از حضرت علی می پرسند: آیا از من راضی هستی یا نه؟ علی (علیه السلام) گفت: ۹ سال با هم زندگی کرده ایم و نشد یک بار از من خواسته ای داشته باشی و حضرت زهرا می فرمایند: از پدرم شنیده ام که نکند از همسرت خواسته ای داشته باشی که او نتواند آن را برآورده کند که نه در دنیا عاقبت به خیر می شوی نه در آخرت و سپس به امیرالمومنین می گویند: اگر از من رضایت دارید دست هایت را روبه آسمان بالا ببر و بگو من فاطمه را حلال می کنم.

حال بگویید آیا زنی که ۹ سال از همسر خود هیچ خواسته ای ندارد و در فضای آن روزها همیشه در کنار همسر خویش ایستادگی کرده است، نمی تواند الگوی زنان عالم باشد پس ارزش های حضرت فاطمه زهرا (س) بسیار بیش تر از صحبت هایی است که ما می کنیم و شاید نام گذاری روز زن در روز میلاد آن حضرت کار بسیار شایسته ای باشد چرا که شخصیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) می تواند الگوی مناسبی برای زنان عالم باشد.

امشب ملائک بر نبی تبریک گفتند
تا صبح گرد خانه اش پرواز کردند
آن دم که سر زد روی زهرا

سادات زین مادر به عالم ناز کردند
سال روز میلاد خجسته زهرا (سلام الله علیها)،
سرور بانوان جهان، عطای خداوند سبحان، کوثر قرآن،
همتای امیر مومنان و الگوی بی بدیل تمام جهانیان
بر همه زنان عالم خجسته باد.

منابع:

<https://wiki.ahlolbait.com>

<https://fa.wikipedia.org>

<https://fa.wikishia.net>



سرور زنان عالم

فاطمه زهرا سرور زنان دو جهان است و فرندان او حسنین سرور جوانان اهل بهشتند. از جمله: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله)،
فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (فاطمه سرور زنان دو جهان است)،
با توجه به این روایات و این که پیامبر از روی هوا و هوس حرف نمی زند «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» و او از سر هوس سخن نمی گوید [نجم- 3]

بلکه سخنان او وحی است پس نتیجه می گیریم:
فاطمه سرور زنان در دو جهان است. بنابراین فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برترین زنان و سرور آنان در دو جهان است و کسی از زنان را بر او برتری نیست.

تنها زن برگزیده در ماجرای مباحله

از میان زنان مسلمان تنها فاطمه (سلام الله علیها) برای حضور در مباحله پیامبر (صلی الله علیه) با مسیحیان نجران انتخاب شد. این ماجرا در آیه مباحله ذکر شده است. بنابر منابع تفسیری، روایی و تاریخی، آیه مباحله در برتری و فضیلت اهل بیت پیامبر نازل شده است. فاطمه، امام علی، امام حسن و امام حسین همراهان پیامبر در این واقعه بودند.

استمرار نسل پیامبر از طریق فاطمه

تداوم نسل پیامبر از فاطمه و تعیین امامان شیعه از فرزندان فاطمه به عنوان یکی از فضائل او ذکر شده است. برخی از مفسران استمرار نسل پیامبر از فاطمه را مصداق کوثر یعنی خیر فراوان در سوره کوثر دانسته اند.

حدیث بَضْعَةُ

زمانی که مردم حجاز به زن با دیده حقارت می نگریستند و دختران خود را زنده به گور می کردند، خدای متعال به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) دختری عنایت کرد که برترین زنان عالم شد، فاطمه ای که رسول خدا درباره او فرمود: فاطمة بضعة منی من آذاهما فقد آذانی... فاطمه پاره تن من است هر کس او را اذیت کند، مرا اذیت کرده است.

این مطلب که اوج علاقه پدر به دختر را می رساند، نشانگر مقام شامخ زهرای اطهر نیز می باشد و می رساند که او برترین است زیرا در ادامه غضب او همان غضب خدا دانسته شده است.

حدیث بَضْعَةُ از احادیث نبوی درباره حضرت فاطمه (س) که پیامبر در آن فاطمه را «پاره تن خود» معرفی کرده و خوشحالی او را خوشحالی خود و آزردن او را آزردن خود دانسته است. این حدیث در منابع شیعه و سنی نقل شده است. به حدیث بضعة منی برای اثبات مباحثی همچون عصمت حضرت فاطمه، حقانیت او در ماجرای فدک و وجوب بزرگداشت اهل بیت (علیهم السلام) استناد می شود.



آری...
دیگر بنی آدم اعضا یکدیگر نیستند.
که اگر بودند خون به جای شیر کودکان غزه را سیراب نمی‌کرد.
و گلوله
کودکان را خواب
و قبر
گهواره ابدی آنان نمی‌شد...

فاطمه محمدی (ترم ۳ کارشناسی علوم قرآن و حدیث) شهید سید محمد کدخدایی

به خدا خمپاره کنارم زمین می خورد، اطرافیانم شهید می شوند؛ اما من حتی یک خراش هم بر نمی دارم... می دانم که جواز شهادت من با رضایت شما امضاء می شه. مادر خواهش می کنم رضایت بده.» مادرشان هم بعد این صحبت ها اگر چه برایشان سخت بود؛ اما دیگر برای سلامتی فرزندشان آیه الکرسی نخواندند.

همرزمان ایشان نیز می گویند: «سید محمد ساعت، روز و چگونگی شهادت خود را پیش بینی کرده بود.» ایشان در نهایت در تاریخ 19 دی ماه سال 1365 در عملیات کربلای 5 به فیض شهادت نائل آمدند.

آن چه گفته شد زندگی نامه ی سردار رشید اسلام شهید سید محمد کدخدا، شخصیت کتاب سید محمد، از زبان خانواده، همسر و همزمان ایشان و به نویسندگی آقای مجید ایزدی است. این کتاب از مجموعه ی شمع صراط، پنجره ای به روایت زندگی شهیدان فارس است؛ اگر به دنبال زندگی نامه ی این شهدا هستید؛ این مجموعه راهنمای خوبی برای بزرگواران خواهد بود.

خواندن این کتاب چند دقیقه ای بیش تر طول نمی کشد؛ پیشنهاد می کنم آن را بخوانید و از شخصیت این شهید بزرگوار لذت ببرید.

«وَالسَّلَامُ عَلَی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى»

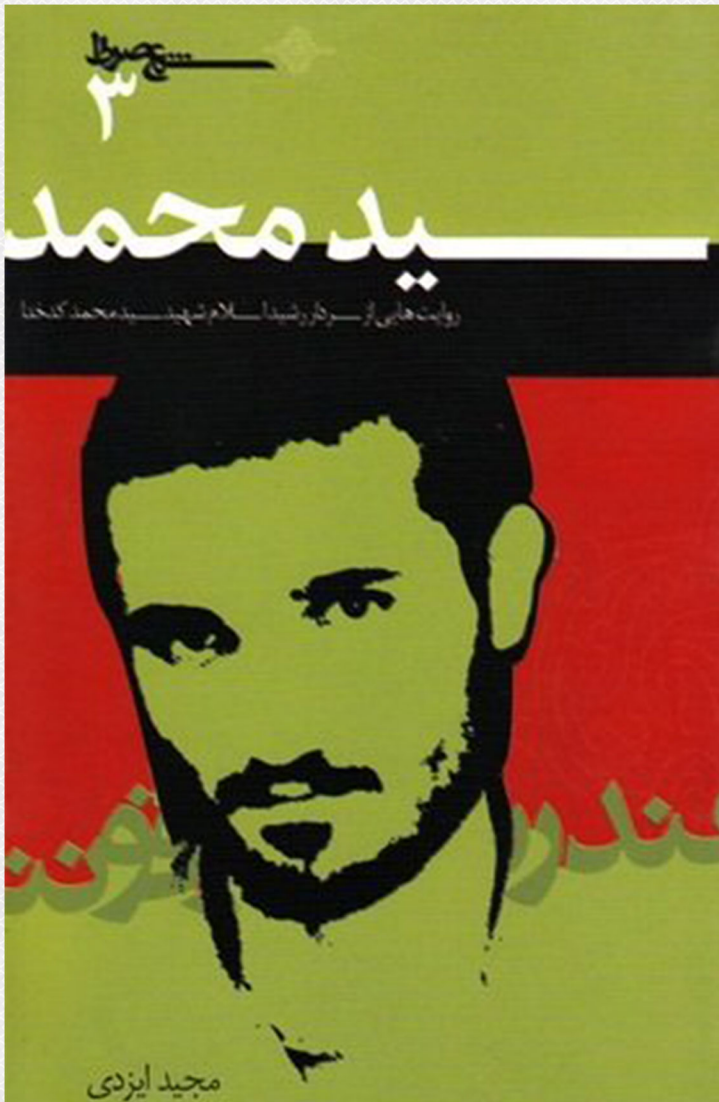
بسم رب الشهداء والصدیقین
مدت ها به دنبال منبعی برای خواندن روایت زندگی شهدای استان فارس می گشتم تا بیش تر با شهدای استانم آشنا شوم؛ چون به جز چند شهید شاخص و مشهور، اطلاعات بیش تری درباره ی شهدای فارس نداشتم تا این که یکی از نزدیکان تعدادی کتاب را نزد من به امانت سپرد تا مطالعه کنم و به ایشان برگردانم؛ اولین کتاب توجهم را به خودش جلب کرد. کتابی با جلد سبزرنگ که رویش نوشته شده بود، سید محمد.

کتاب را باز کردم؛ بالای ورقه ی دوم کتاب نوشته شده بود، تقدیم به سرباز شهید اسماعیل ایزدی و چهارده هزار و ششصد شهید سرافراز استان فارس. درست همان چیزی که در پی اش بودم. به خواندن ادامه دادم... سید محمد در سال 1338 در خانواده ای متدین به دنیا آمدند. دوران تحصیل شان را در شیراز گذرانده و موفق به اخذ دیپلم هنرستان شدند. ایشان در سال 1359 ازدواج کردند و ثمره ی ازدواج شان سه فرزند با نام های سید مهدی، زهرا سادات و سید محمد هستند.

با شروع جنگ تحمیلی و اعلام رسمی آن، اولین گروه اعزامی از فارس متشکل از 70 نفر به فرماندهی سید محمد عازم اهواز می شوند. ایشان با این که سابقه ی فرماندهی نداشتند؛ اما تمام تلاش شان را در حفظ نیروها به کار می گرفتند. هرگاه فرماندهی لشکر از ایشان می خواست تا مسئولیت قبول کند، طفره می رفتند و می گفتند: «نمی خواهم خود را اسیر مسئولیت کنم؛ می خواهم کنار بسیجیان راحت باشم.»

نویسنده در این کتاب ویژگی هایی از سید را بازگو می کند که جمع شدن همه ی این ویژگی ها در یک فرد انسان را به تحسین و امی دارد؛ حساب کردن خمس پول هایشان از سن تکلیف، همیشه با وضو بودن، به ترین حالات در نماز، ترک نشدن دعای کمیل و زیارت عاشورا ایشان، استاد بودن در کارهای فنی، شجاعت بی نظیر در فرماندهی، آینده نگری در زندگی شخصی، کظم غیظ در هنگام عصبانیت و ایثار فراگیر برای هر آشنا و غریبه ای، این ها تنها بخشی از ویژگی های منحصر به فرد این شهید بزرگوار بود.

مادر سید بیان می کنند: «که روزی برای تشییع پیکریکی از دوستان سید محمد به گلزار شهدا رفته بودیم؛ محمد بی قراری می کرد و بی وقفه اشک می ریخت و بعد هم گفت: «می خواهم یک خواهشی از شما بکنم، به خاطر خدا نه نگو! مادر تو را به جدت... تو را به بی بی فاطمه (سلام الله علیها) قسم این قدر برایم دعا نکن و آیه الکرسی نخوان.»





مریم فردوس مکان
(ترم ۳۳ کارشناسی علوم قرآن و حدیث)
مادر

ای عطرِ تو عطرِ هر بهاران
 ای یاد تو آرامش باران
 ای آن که بهشت زیر پایت
 ای آن که همه بُهتِ ثنایت
 صد شکر که در کنار مایی
 همواره رفیقِ راهِ مایی
 ما در ره تو همیشه گفتیم
 همواره و در مُدام گفتیم
 مادر که نباشد، خانه هم نیست
 آرامش یک زمانه هم نیست
 تو سرو برازنده‌ی باغِ وطنی
 تو شمع فروزنده‌ی هر انجمنی
 تو طائر افتاده به دامِ مَحَنی
 تو غنچه‌ی بشکفته به ظَرْفِ چمنی
 تو مادر گلگون کفنانِ وطنی
 افتاده به دامِ خطرِ اهرمنی
 برخیز و ز یک نعره‌ی مردانه تو گر کن
 کاخ ستم از آه و فغان، زیر و زبر کن

